

لذت ریاست



ابراهیم علی پور

کارشناس مدیریت شهری

در جامعه ایرانی، «ریاست» نه فقط یک موقعیت شغلی یا مسئولیت اداری، بلکه نوعی هویت اجتماعی و گاه نوعی سرمایه نمادین است؛ چیزی فراتر از یک نقش سازمانی که به فرد احساس شان، برتری و حتی مالکیت می بخشد. بسیاری از ما ریاست را با «مقام»، «حیثیت» و «برتری» پیوند می دهیم و همین پیوند است که از دل آن نوعی لذت خاص و اغلب نامرئی زاده می شود؛ لذتی که در ظاهر بی خطر می نماید، اما در عمل می تواند آسیبزا باشد. هر جا که این لذت از کنترل فرد خارج شود، قدرت به جای آن که ابزار خدمت باشد، تبدیل به مخدری می شود که احساس برتری را تقویت و حس مسئولیت را تضعیف می کند. ریشه های این مسئله فقط در ساختارهای رسمی نیست؛ فرهنگ روزمره نیز آن را بازتولید می کند. از کودکی با جمله هایی مانند «فلانی رئیس»، «اول بین مسئول کیه»، «رئیس بودن یعنی موفقیت» بزرگ می شویم.

مدرسه نیز این ذهنیت را تقویت می کند: معاون و مدیر مدرسه در بالای هرم، معلم در میانه و دانش آموزان در پایین. در بسیاری از محیط های کاری نیز سلسله مراتب بیش از اندازه بر جسته می شود و فاصله ی میان مدیر و بدنه چنان زیاد است که گویی این نقش ها متعلق به دو جهان متفاوت اند. این ساختارها و عادت ها به تدریج ذهن ما را به این سمت سوق می دهد که ریاست نه وظیفه، بلکه پاداشی لذت بخش است.

▼ «لذت ریاست» یعنی چه؟

میل افراطی برخی افراد به قدرت، کنترل، دستور دادن و برتری جویی، تبدیل قدرت به یک «مخدر روانی»، احساس مالکیت بر افراد، سیستم و منابع، رضایتی که از «حس برتر بودن» یا «مصونیت از پاسخگویی» ایجاد می شود. این میل، صرفاً یک ویژگی فردی نیست، بلکه در برخی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تقویت می گردد.

میل به ریاست چگونه در ذهن افراد تقویت می شود:

- (الف) **توهم دانایی**: فرد دارای قدرت گمان می کند که بیشتر از بقیه می فهمد و تصمیمش برتر است.
- (ب) **توهم مصونیت**: احساس می کند که اشتباهاتش پیامد واقعی ندارد.
- (ج) **اختلال در همدلی**: قدرت زیاد می تواند توان همدلی را کاهش دهد؛ افراد زیر دست به «ابزار» تبدیل می شوند.
- (د) **اعتیاد روانی به تمجید**: ارباب مآبی و نیاز به چشم و چراغ دیدن احترام ظاهری دیگران. تجلیات «لذت ریاست» در جامعه ایران.

▼ مکانیسم های روانی لذت ریاست

از منظر روان شناسختی، قدرت حالتی شبه نشننگی ایجاد می کند. پژوهش های متعدد در حوزه روان شناسی اجتماعی نشان داده اند که قدرت می تواند توان همدلی را کاهش و اعتماد به نفس را بیش از حد افزایش دهد. فرد صاحب قدرت، به ویژه در محیط هایی فاقد نظارت، گمان می کند دانایی و تشخیص او از دیگران بیشتر است، حتی اگر شواهد خلاف آن باشد. این توهم دانایی، همراه با توهم مصونیت، یعنی باور ناخود آگاه به این که تصمیم های او پیامد جدی ندارد ترکیبی خطرناک پدید می آورد. نتیجه ی چنین وضعیتی «فاصله گیری از واقعیت» است؛ مدیری که خود را بی نیاز از نقد می داند، معمولاً نخستین گام را به سوی ناکارآمدی برداشته است. لذت ریاست در جامعه ایرانی معمولاً با نشانه های مشترک ظاهری همراه است: اتاق بزرگتر، جایگاه نشستن خاص، صدای بلندتر در جلسه ها، امضای بیشتر، همراهان متعدد و حتی صندلی ای که برای شخص رئیس کنار گذاشته می شود. شاید این نشانه ها در ابتدا بی اهمیت به نظر برسند، اما در بلندمدت کارکردی نمادین می یابند: آن ها قدرت را نه به عنوان سازوکار خدمت، بلکه به عنوان «هویت ممتاز» نمایش می دهند. این نمایش نمادین، هم برای فرد در قدرت لذت آفرین است و هم برای دیگران یادآور سلسله مراتبی که باید به آن تمکین کنند.

▼ پیامدهای منفی لذت ریاست

در محیط های اداری نمونه های فراوانی از پیامدهای منفی لذت ریاست دیده می شود. جلسات طولانی که بیشتر نمایش قدرت مدیر است تا تلاشی برای حل مسئله؛ تاخیرهای عمدی برای تأکید بر برتری؛ صدور دستورهای غیر ضروری؛ یا مداخله در جزئی ترین امور

که نشانه ی «کنترل گری» و ترس از واگذاری مسئولیت است.

در چنین فضایی کارکنان کمتر فرصت رشد دارند و خلاقیت جای خود را به احتیاط، سکوت و تطبیق پذیری منفعلانه می دهد. نهایتاً آنچه قربانی می شود عملکرد سازمان است. حتی دانشگاه، که باید زیست جهان آزاداندیشی باشد، نیز گاهی از این آسیب ها در امان نمانده است. رابطهی استاد و دانشجو، یا مدیر گروه و اعضای هیئت علمی، وقتی بیش از حد عمودی تعریف می شود، به جای تولید دانش، سلسله مراتبی از فرمان برداری و اطاعت شکل می گیرد. در چنین فضایی، نقد تبدیل به گستاخی می شود و خلاقیت زیر بار اقتدار ساختاری رنگ می بازد. دانشگاهی که در آن «ریاست» بر «رسالت علمی» غلبه کند، کم کم به جایگاهی برای بازتولید قدرت بدل می شود، نه بازتولید اندیشه. در لایه های روزمره تر زندگی نیز لذت ریاست خود را نشان می دهد: والدینی که خانه را نه محیطی برای مشارکت، بلکه عرصه ای برای دستورات یک طرفه می دانند؛ مدیران ساختمان که خود را صاحب اختیار مطلق می بینند؛ یا فروشندگان که مشتری را زیر دست می بندارند. این رفتارها نشان می دهد مسئله فقط در ساختارهای رسمی نیست؛ بلکه نوعی «خودشیفتگی اجتماعی» در مقیاس کلان شکل گرفته است. هر کسی در موقعیت کوچک یا بزرگی که قرار می گیرد، کمی از لذت ریاست را تجربه می کند و اگر مهار نشود، به رفتارهای سلطه جویانه ختم می شود.

از دل این پدیده پیامدهای وسیعی سر برمی آورند. نخستین پیامد، فرسایش اعتماد اجتماعی است. وقتی مردم ببینند تصمیم ها نه بر اساس قانون و شایستگی، بلکه بر اساس میل و سلیقه فردی مدیران گرفته می شود، دیگر به سیستم اعتماد نخواهند کرد. پیامد دوم، کاهش کارآمدی و خلاقیت است. ساختار ریاست محور افراد را وادار می کند در حداقل سطح حرکت کنند و از بیان ایده های تازه یا نقدهای سازنده پرهیز نمایند. پیامد سوم، تشدید مهاجرت نخبگان است؛ زیرا انسان های خلاق و مستقل فضایی را ترجیح می دهند که در آن مشارکت، گفت و گو و آزادی اندیشه از ج نپاده شود، نه سلسله مراتب خشک و رفتارهای اقتدارطلبانه. پیامد چهارم، افزایش فساد ساختاری است؛ قدرت بدون نظارت، خواه ناخواه زمینه ساز رفتارهای ناسالم خواهد شد.

اما شاید مهم ترین مسئله این باشد که در فرهنگ مدیریتی ما «ریاست» معمولاً هم معنای «مسئولیت» نیست. در بسیاری از سیستم های پیشرو، قدرت همزاد پاسخگویی است؛ هر مقام بالاتر یعنی شفافیت بیشتر، گزارش دهی دقیق تر و نیاز به توجیه منطقی تصمیم ها. در حالی که در بخش هایی از جامعه ما، ریاست بیشتر به معنای «حق» است تا «وظیفه». فرد رئیس اغلب با امتیازها تعریف می شود: اتاق بهتر، حقوق بیشتر، امکانات افزون تر. در نتیجه به جای این که سمت مدیریتی بار مسئولیت داشته باشد، تبدیل به پاداشی برای وفاداری یا ابزار تثبیت موقعیت اجتماعی می شود. همین تضاد میان «مقام» و «مسئولیت» از ریشه های اصلی ناکارآمدی است.

چرخه ی بازتولید این وضعیت نیز ساده است: فردی به قدرت می رسد؛ با امتیازها و تمجیدها مواجه می شود؛ نظارت کافی وجود ندارد؛ افراد زیر دست برای حفظ رابطه، رفتارهای چاپلوسانه نشان می دهند؛ مدیر دچار توهم دانایی و مصونیت می شود؛ و این چرخه به نسل بعدی مدیران منتقل می شود. شکستن این چرخه، نیازمند تغییرات فرهنگی و ساختاری است.

▼ رویکردی سازنده

- (الف) **آموزش مهارت های رهبری مشارکتی**: به خصوص در مدارس و دانشگاه ها.
- (ب) **تقویت نهادهای پاسخگویی**: در سازمان ها، انجمن ها، ادارات.
- (ج) **توانمندسازی کارکنان**: واگذاری اختیار، مشارکت در تصمیم گیری.
- (د) **بازتعریف موفقیت**: ارزش گذاشتن به تخصص و کار گروهی نه مقام.
- (ه) **تقویت فرهنگ گفت و گو**: پذیرش نقد و نظر مخالف.

▼ راه حل های قابل تصور

آموزش مهارت های رهبری مشارکتی، تقویت فرهنگ گفت و گو و نقد، ایجاد سازوکارهای نظارتی در سازمان ها، بازتعریف موفقیت بر مبنای کار گروهی و نه عنوان شغلی، و پرورش نسلی که از کودکی به مسئولیت پذیری و مشارکت عادت کند. اگر ریاست به جای لذت یک طرفه، مسئولیت دوطرفه شود، جامعه نیز از حالت عمودی و فرمان محور به سمت ساختاری افقی، خلاق و کارآمد حرکت خواهد کرد. در نهایت، نقد «لذت ریاست» نقد یک رفتار فردی نیست، بلکه نقد یک الگوی فرهنگی است؛ الگویی که برای تغییر آن، هم ساختارها باید اصلاح شوند و هم ذهنیت ها. شاید بتوان گفت جامعه ای سالم تر شکل نمی گیرد مگر زمانی که ریاست به جای لذت، به خدمت تبدیل شود؛ و مدیریت نه وسیله ی برتری، بلکه ابزاری برای رهایی و پیشبرد جمع باشد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲



عکس: dolat.ir

دفاع پرشکیان از سقاب

ارزیابی کارشناسان از اظهارات دیروز رئیس جمهور

دارد، مطرح می شود. چراکه موضوع ناترازی انرژی در کشور از جمله معضلات عمیقی بود که طی یک سال گذشته خود را به صورت جدی نشان داد و در حال حاضر هم اصل نگرانی ها بر موضوع آب متمرکز شده است.

در چنین شرایطی البته مقامات دولتی جزئیاتی از این اقدام ارائه نمی دهند. رئیس جمهور نیز صرفاً به تأکید بر همین موضوع بسنده کرد که طرح ارائه شده از سوی تیم سقاب اصفهانی، جامع تر از دیگر طرح های ارائه شده بوده است. اما در این موضوع یک نکته را نیز می توان در نظر گرفت که در این توضیحات کلی و کوتاه، بر ارائه طرح از سوی یک تیم تأکید می شود که تحت نظر سقاب فعالیت می کردند و احتمالاً حالا نیز در قالب سازمان سیاست گذاری و مدیریت راهبردی انرژی به کار خود ادامه می دهند. طرحی که دقیقاً مشخص نیست چیست اما برخی اعلام برائت ها از زمان خبری شدن انتصاب سقاب، توجه ها را به خود جلب کرد. از جمله یکی از روزنامه های حامی جلیلی که نوشت: «باید توجه داشت با گذشت یک سال و نیم از پایان دولت شهید رئیسی، طرح هایی که از افرادی همچون سقاب اصفهانی برای گران سازی حامل های انرژی ارائه می شود، مربوط به مدیران دولت فعلی است و امثال سقاب اصفهانی را باید مدیر دولت چهاردهم دانست، نه مشاور شهید رئیسی.»

فارغ از واکنش های دولت و فعالان رسانه ای نزدیک به پاستور به نقدها

گروه خبر: پس از واکنش مقامات دولت چهاردهم به حواشی انتصاب معاون جدید رئیس جمهور و رئیس سازمان سیاست گذاری و مدیریت راهبردی انرژی، در نهایت شخص رئیس جمهور به موضوع واکنش نشان داد. مسعود پزشکیان، در آغاز صحبت هایش در جلسه روز یکشنبه هیئت دولت گفت: «از نخستین روز آغاز به کار، موضوع حل ناترازی های انرژی برای من و مجموعه دولت یکی از اصلی ترین، مهم ترین و حیاتی ترین مسائل کشور بوده است. بر همین اساس، از گروه های متعدد صاحب نظر، ایده پرداز و دارای برنامه دعوت شد تا دیدگاه ها و پیشنهاد های خود را در این زمینه ارائه کنند. از میان این طرح ها و مباحث و برنامه ها، تحلیل ها و تسلط تیم و شخص آقای سقاب اصفهانی جامع تر، دقیق تر و کارآمد تر بود؛ از این رو ایشان برای ریاست سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی برگزیده شدند تا ان شاء الله با همکاری همه دستگاه ها، امور و برنامه ها در مسیر صحیح هدایت شود.»

▼ توضیحات کوتاه و باقی ماندن ابهاما

به رغم توضیحات رئیس جمهور اما انتقادات در مورد انتصابی که صورت گرفت، به طور کامل فروکش نکرد. همچنان در شبکه های اجتماعی و گاهی در رسانه ها، سوالات درباره علت این انتخاب و نقاط ابهامی که نسبت به آن وجود

دانشکدگان هنرهای زیبای دانشگاه تهران در حال برگزاری است. دانشکدگان هنرهای زیبای دانشگاه تهران با توجه به تأکید نهادهای برگزار کننده مبنی بر لزوم تعمیق پیوند بین هنرمندان طراح و جامعه و نمایش فضای عادی زندگی اجتماعی، که گروهی سعی در بحرانی نشان دادن آن پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دارند، میزبانی بخشی از این رویداد را به عهده گرفته است. در ایام برگزاری این رویداد، از بین ۶۴ محل برگزاری نمایشگاه، دانشکدگان هنرهای زیبای دانشگاه تهران مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است که نشانه پیوند عمیق جامعه و دانشگاه است، اما برخی بازدیدکنندگان نمایشگاه، که از خارج دانشگاه برای بازدید آن آمده بودند، متأسفانه در پاره ای از موارد، شئون دانشگاهی و عرفی جامعه را رعایت نکرده و برخی از گروه ها و افراد معاند نیز با استفاده از این فرصت و احتمالاً با برنامه ریزی مشخص، با تهیه کلیپی هدفدار از حواشی پیش آمده، با صدا گذاری و تدوین خاص و با هدف برهم زدن فضای فرهنگی، آن را در فضای مجازی منتشر کرده اند. «دانشگاه تهران ضمن تأکید بر لزوم حفظ وصیانت از کلیه ارزش های دینی، عرفی و دانشگاهی و محکومیت هرگونه هنجارشکنی اعلام کرد: «۱) تهیه و پخش اینگونه کلیپ ها که هدف آن بر هم زدن فضای دانشگاهی و عرفی جامعه است، کمک به بسط هنجارشکنی و از بین بردن قبح آن قلمداد می شود. ۲) تأکید می شود افراد حاضر در کلیپ منتشر شده، تعداد معدودی از جمع عظیم شهروندان متین و موقر بازدیدکننده خارج از دانشگاه هستند که همانند سایر برنامه ها و نمایشگاه ها، از این رویداد نیز بازدید نموده اند و ارتباطی با دانشگاه نداشته و دانشجوی دانشگاه تهران نیستند. ۳) پس از اطلاع از موضوع، مسئولان دانشگاه، اقدام لازم را برای جلوگیری از تکرار آن، با تذکر جدی به شرکت کنندگان مبنی بر رعایت شئون و مقررات پیش گفته انجام داده اند تا کنترل فضای عرفی نمایشگاه و دانشگاه، از تکرار این گونه موارد، که زمینه تبلیغات علیه ارزش های جامعه را فراهم می کند، جلوگیری شود.»

▼ انتشار لیست صادر کنندگان مجوزها

جامعه اسلامی دانشگاه تهران نیز با انتشار بیانیه ای به برگزاری این جشنواره واکنش نشان داده و اعتراض خود را بیان کرد: «دانشگاه تهران، نماد علم، فرهنگ و هویت دانشگاهی جمهوری اسلامی، باید پرچم دار هنر متعالی، اخلاقی و رشد معرفتی باشد. بااین حال، رویدادی که اخیراً تحت عنوان «هفته مد و دیزاین» در دانشکدگان هنرهای زیبا برگزار شد، نه تنها متناسب با شأن

گروه خبر: درهای دانشگاه تهران در بهت و ناباوری بر فستیوال هفته دیزاین بسته و برگزاری این جشنواره از ۲۵ آبان در دانشگاه تهران لغو شد. این فستیوال نیز مانند جشنواره کوچه با نقد بسیاری روبه رو شد و تندروها به این جشنواره تاختند؛ آن هم به دلیل تابوشکنی هایی که در این جشنواره رخ داد. برخی از رسانه های تندرو معتقد بودند که از زنان بی حجاب برای تبلیغات استفاده ابزاری شده است. این جشنواره وقتی مورد حمله تندروها قرار گرفت که یک ویدئو در تاریخ ۲۳ آبان از آن منتشر شد. در برخی از اعتراضات، مصادف شدن این فستیوال با دهه فاطمیه مطرح شده است در حالی که دقیقاً در همین ایام شهرداری اقدام به برگزاری یک جشن بزرگ در میدان انقلاب کرده بود. شاید تنها تفاوت این دو رویداد این باشد که هدف غیر سیاسی برگزاری هفته دیزاین تهران با برگزاری جشن انقلاب از سوی تیم علیرضا زاکانی (که یک شخصیت سیاسی است) بنابر این یکی با لغو روبه رو شد و دیگری با تشویق.

▼ ایجاد تعادل در دانشگاه

وحید شالچی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم نیز درباره حواشی جشنواره دیزاین تهران گفت: «آنچه در دانشگاه تهران رخ داده، در حوزه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نبوده است و ما نیز در پاسخ به این موضوع، به همان بیانیه ای ارجاع می دهیم که از سوی دانشگاه تهران منتشر شده است. دو موضوع باید به صورت هم زمان محقق شود: نخست اینکه دانشگاه باید محیطی پویا باشد که در آن آخرین فناوری ها و هنر ها عرضه شود و درهای آن به روی مردم باز باشد تا از ظرفیت های آن بهره مند شوند. دانشگاه آداب اجتماعی خاص خود را دارد و باید میان پویایی دانشگاه و رعایت آداب دانشگاهی، تعادل لازم برقرار کنیم.»

▼ جلوگیری از تبلیغات علیه ارزش ها

پس از انتقاداتی که به برگزاری جشنواره هفته دیزاین تهران وارد شد، دانشگاه تهران طی اطلاعیه ای خود را از اتهامات وارد شده توسط تندروها مبرا کرد و در این اطلاعیه نوشت: «در پی انتشار فیلمی از حواشی برگزاری «رویداد هفته طراحی تهران» در دانشکدگان هنرهای زیبا، که حاوی تصاویر تدوین شده نامناسب و وضعیت حجاب برخی از بازدیدکنندگان بود، به اطلاع می رساند این جشنواره یک رویداد هنری بیرون از دانشگاه، موسوم به «هفته طراحی تهران» است که با مجوز نهادهای مربوط، همزمان در ۶۴ نقطه شهر تهران از جمله